



حاضر، یکی از مشکلات عمده کشور، تحریم‌ها هستند. بنابراین لازم است هر چه زودتر برای تنش‌زدایی در سیاست خارجی اقدام کرد تا هم منابع ارزی مسدود شده آزاد شوند و هم امکان بیشتری برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ورود تکنولوژی که هر دو برای افزایش تولید لازم هستند، فراهم شود. بسیاری می‌پرسند که اگر توانستیم با عربستان تنش‌زدایی کنیم، چرانتوان با کشورهای دیگر تنش‌زدایی کرد؟ در صورت تنش‌زدایی، انتظارات تورمی تا حد زیادی فروکش خواهند کرد و از این نظر نیز زمینه مساعدتری برای سرمایه‌گذاری فراهم خواهد شد. البته اجرای طرحی با گستردگی UBI قطعاً نیازمند شکل‌گیری سرمایه اجتماعی بالایی بین دولت و شهروندان است. در اینجا می‌توان از نظریه‌های نهادگرایی نیز کمک گرفت. نهادگرایی چون داگلاس نورث برای باورند که یک تفاوت اساسی بین کشورهای بیشتر توسعه یافته و کشورهای کمتر توسعه یافته، وجود چهارچوب‌های نهادی مختلف در این دو گروه از کشورهاست. گروه اول دارای یک چهارچوب نهادی مشوق تولید هستند و گروه دوم دچار یک چهارچوب نهادی مشوق بازتوزیع یا رانت‌جویی هستند. می‌توان گفت که تورم‌های بالا و مزمن یکی از دلایلی است که باعث شده ما یک چهارچوب نهادی مشوق تولید نداشته باشیم. در تورم‌های بالا و مزمن، بازده فعالیت‌های سوداگرانه زیاد است و طلا، ارز، خودرو و ملک به کالای سرمایه‌ای تبدیل می‌شوند و فعالین اقتصادی از جمله بانک‌ها، به جای اینکه منابع‌شان را صرف تولید کنند به این فعالیت‌های غیرمولد و بلکه مخرب تولید روی می‌آورند. بنابراین، بانک‌ها نیز بخش مهمی از منابع خود را در دارایی‌های غیرمولد منجمد می‌کنند که این بخشی از بحران نظام بانکی را شکل داده است.

برای اجرای طرح‌هایی با چنین پیامدهای گسترده، دولت نیازمند اعتمادسازی در جامعه است. اما چگونه؟ توجه کنید که ما یک صندوق توسعه ملی داریم که منابع ارزی و ریالی آن به تعدادی بنگاه خاص داده می‌شود. چرا منابع این صندوق به این بنگاه‌های خاص داده می‌شود؟ اگر ثروت نفت متعلق به همه مردم است، به نظر نمی‌رسد راه حمایت از تولید و مردم این باشد که منابع صندوق به بنگاه‌هایی خاص داده شود که شائبه رانت‌پروری در آنها بالاست. می‌توان بخشی از منابع UBI را از منابع صندوق توسعه ملی تأمین کرد.

پس حمایت از تولید ملی که در اساسنامه صندوق آمده است، چه خواهد شد؟ پاسخ این است که وقتی منابع صندوق در قالب UBI در اختیار شهروندان قرار گیرد، این پول را صرف خرید کالاها و خدمات از بنگاه‌هایی می‌کنند که محصولاتی با کیفیت و قیمت مناسب عرضه می‌کنند. بنگاه‌ها می‌توانند درآمد حاصل را صرف سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید کنند. به این صورت است که هم قدرت خرید مردم و هم تولید افزایش خواهد یافت و هم با افزایش تولید، شاهد کاهش تورم خواهیم بود. در عین حال شائبه رانت‌پروری نیز وجود نخواهد داشت.

#### **با وجود بحران‌های متعدد کشور، آیا این طرح باعث افزایش بحران‌ها نمی‌شود؟**

در اینکه ما با بحران‌های متعددی مثل بحران نظام بانکی، کسری بودجه، بحران زیست محیطی و بحران در سیاست خارجی مواجه هستیم، شکی نیست. پرسش این است که اگر بخواهیم برای بحران‌ها غلبه کنیم، کارا تر است که از کجا و چطور اصلاحات لازم را شروع کنیم؟ روشن است که برای این کار باید بحران‌ها را ریشه‌یابی کنیم. در حال